

جامعه شناسی دینی – اسلامشناسی اجتماعی  
آیا حکومت و شریعت اسلامی قرآنی و الهی اند؟

---

# قرائت قرآن «غیر دینی»

جلد 1

محدودیت های قرآنی و  
تحریفات قرائت «رسمی و با واسطه»

رضا ایرملو

پروفسور جامعه شناسی- سوئد

(این صفحه فقط برای درج در اینترنت اضافه شده است. دوستانی که  
کتاب را چاپ می کنند می توانند از این صفحه صرف نظر کنند.)

آدرس برای اظهار نظر: [ggheyredini@yahoo.com](mailto:ggheyredini@yahoo.com)

## جلوه علمی قرآن

### 1- ترمودینامیک غسل و وضو

#### - متعصبین علمیت دینی

چهره شناخته شده در علمیت بخشیدن به احکام دینی و غیر دینی قرآن، مهندس مهدی بازرگان است<sup>104</sup>. بازرگان نماینده نسلی از متشرعین تحصیلکرده است که به بیان اصول کافی<sup>105</sup> آیه "أنا السماء انشقت" را با شکافتن اتم و عبارت "الماء تحت الهواء" را با چاه های جوی و عبارت "آیه محکمه" را با فرمول های ریاضی، الکتریسیته و اتم تطبیق می دهند، یا «جن» را به معنای میکروب و الکترومغناطیس، آیه "ترمیهم بحجارة من سجيل" در مورد سنگباران آسمانی سپاه ابرهه را به معنی بیماری آبله<sup>106</sup> و فرشته ای به نام «جبرئیل» را به معنای «نیرو» می گیرند.

به گزارش محقق ترک آرسل دورسون<sup>107</sup>، اینان آیات مربوط به امکان «افتادن آسمان» بر «روی زمین» و همچنین آیات مربوط به جدا کردن زمین و آسمان ها از سوی خدا (سوره حج، آیه 65) را به معنی وجود تئوری جاذبه سیارات<sup>108</sup> در قرآن می گیرند. اینان همچنین ادعا می کنند که قرآن از طریق آیه 82 سوره النمل، اختراع اشیاء مدرن مثل هواپیما، ترن، تانک و کامپیوتر را پیش بینی کرده<sup>109</sup>، آیه 40

<sup>104</sup> جهت اطلاعات بیشتر ر. ک به فصل «تحریر آیات برای اثبات «کفایت علمی قرآن» و «شرع ملقب به اسلامی» در جلد سوم این کتاب.

<sup>105</sup> اصول کافی، ص 15.

<sup>106</sup> ر. ک. به قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی، پیشین، ص 641 و اصول کافی، پیشین، ص 15.

<sup>107</sup> Arsel Dursun, Kuran Eleştirisi 1, ibid, s. 139-152.

<sup>108</sup> Laplace

<sup>109</sup> Türkiye Diyanet Vakfı'nın yorumu, Quoted by: Arsel Dursun, Kuran Eleştirisi 1, ibid, s. 140.

سوره هود از کشتی بخار و تکنیک آن خبر می دهد<sup>110</sup> و آیه 125 سوره انعام به پائین آمدن فشار در ارتفاعات اشاره می کند<sup>111</sup>. بر اساس این گونه تحریفات متعصبانه، ساده نگرانه و حتی کودکانه، همچنین آیه 44 سوره اسراء از وجود اتم و انرژی هسته ای<sup>112</sup>، آیه 88 سوره النمل از گردش زمین، آیه 41 سوره رعد از جذر و مد و آیه 8 سوره النحل از وسائط نقلیه مدرن امروز و فردا خبر می دهد<sup>113</sup>.

### - لباس دوزی بازرگان

بازرگان نماینده این نسل از متشرعین و شریعت سازان است و همانند بسیاری از اینان، به عموم مسائل دینی «لباس علمی می پوشاند» و به هر حکم شرعی، نظری علمی «می چسباند». وی بر آن است که با نام ها و عناوین علمی به باور دینی برسد، یا با استفاده از نام و عناوین علمی و راه ها و متدهای اثباتی علوم مثبت<sup>114</sup>، نظریات دینی را قابل قبول نشان دهد.

به نوشته کتاب «دین شناسی معاصر» چاپ ایران، به نظر بازرگان "علوم معاصر هر یک به نوبه خود سهمی در کشف رموز و ارائه الهی بودن قرآن داشته اند"<sup>115</sup>. بازرگان از زیست شناسی و جنین شناسی برای تأیید آفرینش و تحولات گذشته و آینده انسان استفاده می کند<sup>116</sup> و هواشناسی را برای انطباق آیات با پدیده های جوی به کار می گیرد<sup>117</sup>. جامعه شناسی و روانشناسی را (که اساساً تکیه بر "اصالت عمل انسان"<sup>118</sup> می زنند و ایدئولوژی ها و اصول اخلاقی یا

<sup>110</sup> Ibid.

<sup>111</sup> Arsel Dursun, Kuran Eleştirisi 1, ibid, s. 139-141, 148.

<sup>112</sup> Türkiye Diyanet Vakfı'nın yorumu, Quoted by: Arsel Dursun, ibid, s. 151.

<sup>113</sup> Ibid, s. 140,152.

<sup>114</sup> positivism

<sup>115</sup> مجید محمدی، دین شناسی معاصر، ص 234.

<sup>116</sup> مهدی بازرگان، باد و باران در قرآن، به نقل از مجید محمدی، ص 222.

<sup>117</sup> مهدی بازرگان، پیشین.

<sup>118</sup> اعتقاد به نقش و عمل انسان زمینی به جای باور به نقش الهه ها، بت ها، رب النوع ها، خدایان و یا خدای آسمان ها و زمین در حوادث و اتفاقات دنیوی.

علمی جانشین شونده ادیان را می سازند)<sup>119</sup> به کار می گیرد تا ادعا کند که هیچ مسلک و مرامی نتوانسته است مانند قرآن مقام انسان را بالا برده، بشناسد و حقوق بشر را ادا کند<sup>120</sup>. به نظر بازرگان:

- "می توانیم با استفاده از فرضیه جدید عالمگیر نسبیت انیشتن، قرآن را در بعضی آیات ارتحال دنیا با آخرت، رسیدن ساعت (ساعت سرنوشت، یا مرگ؟)، در تمثیل و توصیف های خدا و همچنین در پاره ای از پدیده های غامض، بهتر بفهمیم. کامپوتر به امداد ما آمده، با کشف رمزی از مفاتیح سوره ها، دست نخوردگی یا اصالت و حفاظت قرآن را اثبات می کند و معجزات عددی آن را که یکی و دو تا و ده تا هم نیست ظاهر می سازد"<sup>121</sup>.

امر به قدری به بازرگان مشتبه می شود که بی توجه به مربوط بودن یا نبودن بحث ها و بی آن که کوچک ترین درکی نسبت به خواستگاه های متفاوت «علم» و «دین»، یا حوزه های علمی و ایمانی نشان دهد، با تأکید و اعتماد پیامبرانه ادعا می کند که:

- "نقش پیامبران بر انگیزتن منابع انرژی انسانی است"<sup>122</sup>،  
- "بودن عرش بر آب"<sup>123</sup> با این که آب ناپایدار ترین محیط ترکیبی طبیعی و در عین حال مساعد ترین محیط برای حیات است توجیه می شود"<sup>124</sup> و،  
- "سیر آفرینش، با تکامل طبیعی داروینی فهمیده می شود... ووو"<sup>125</sup>.

#### - قرآن همچون کتاب «فیزیک» و نه «دینی»

مهدی بازرگان اما عالم علمی به مفهوم فلسفه علمی نیست. او چشم به روی تاریخ ایده و علوم می بندد و به ناچار، سرتاسر قرآن را با عینک

<sup>119</sup> مجید محمدی، پیشین.

<sup>120</sup> مجید محمدی، پیشین، ص 222-223.

<sup>121</sup> مهدی بازرگان: 1- بازگشت به قرآن، ج 4؛ 2- انسان بینی قرآن، تهران، انتشارات قلم، 1364،

ص 40.

<sup>122</sup> مهدی بازرگان، دعا، ص 68، به نقل از مجید محمدی، پیشین، ص 234.

<sup>123</sup> اشاره به آیات قرآن در مورد محل قرار گرفتن طبقه، یا عرش و تخت خدا بر آب.

<sup>124</sup> مهدی بازرگان، توحید، طبیعت، تکامل، ص 38، به نقل از مجید محمدی، پیشین.

<sup>125</sup> مجید محمدی، پیشین.

مهندسی خود نگاه می کند و آیات قرآن را جز به صورت فرمول های مکانیک و فیزیک نمی بیند، یا نمی تواند ببیند.

او حتی در این محدوده نامناسب و محدود نیز، خود را موظف نمی بیند تا برای اثبات خاستگاه ابداعی خود، تئوری های علمی بیابد، یا برای اثبات فکر و نظر خود به راه شیوه های علمی و متدهای منطقی برود. او نگران هیچ کدام از «تحریفاتی» که به نام علم در معنی و مفهوم آیات قرآن مرتکب می شود نیست و خود را محتاج ارائه دلیل و منطقی برای ادعاهای دینی خود نمی بیند. این نیست جز آن که بازرگان می داند که:

- اگر اصل بر دفاع از شریعت و حکمرانی دینی باشد، هر دست بردن و تحریفی در معنی و مفاهیم قرآن، حلال و حتی واجب فرض می شود.

او می داند که:

- در این کشور و جامعه «دین زده»، کسی متکلمان را برای این دست بردن ها و تحریفات حمایتی، سین و جیم نمی کند و اساساً در جایی که: "زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد"، کسی جرأت آن را نمی یابد که سؤالی علیه ادعاهای «غیر علمی» و «غیر دینی» بنیادگرانی مثل او مطرح کند، یا با دلیل علمی به رد این ادعاها برخیزد. او در زمان و موقع خود، ناجی دین و متکلم وحده است.

او شاهد است که تعلیمات علمی مدارس مدرن در ایران و تهران آن زمان، در حال زدودن آثار ذهنی «خرافات دینی شده» اند و در این شرایط رو به زوال، ادعای ولو کودکانه و «غیر دینی» علمی بودن «کتاب دینی قرآن»، می تواند درنگی در پروسه تحول و رشد سکولاریسم اجتماعی در شهرهای ایران به وجود آورد.

بازرگان همچنین مطلع است در شرایطی که درس خواندن و راه علمی رفتن به ایده آل غالب فرزندان طبقه متوسط ایران تبدیل شده، جز از راه «علمی خواندن» قرآن و جا انداختن این شبهه نادرست، ایدئولوژی و نظریه «حکومت دینی و اسلامی» به گوش کسی نمی رود. او می داند که با وجود این نیاز تعیین کننده، کسی در «حوزه های به

اصطلاح علمی قم، نجف و غیره» قادر به ایفای این نقش دفاعی علیه این تهاجم علم سکولر نیست.

این جاست که بازرگان به عنوان ناجی شریعت سازانی که در برابر توسعه علوم راه برون رفتی نمی بینند، به سادگی هر عوام فریب عامی، به هر آیه دینی شاخه ای از علم فیزیک را می چسباند و برای اثبات سنت های دینی خود، صرف نامگذاری علمی را کافی تشخیص می دهد. چنین است که بازرگان، هم با زیر پا گذاشتن «وفاداری علمی» و هم با چشم پوشی از «حرمت دینی»:

- نجاست و مراتب آن ها را با خطر فسادپذیری و رویش میکروب های موذی<sup>126</sup>،
- استحاله را با تحولات شیمیائی<sup>127</sup>،
- شأن ظاهرکنندگی آب را با وجود حیوانات ذره بینی آب که مواد آلی را تجزیه و تحلیل می کنند<sup>128</sup>،
- اصل کریت<sup>129</sup> را با اصل رقیق کردن<sup>130</sup> و،
- احکام آب چاه را با تعابیر بیوشیمیک<sup>131</sup> برابرسازی می کند.

بازرگان همچنین:

<sup>126</sup> مهدی بازرگان، مطهرات در اسلام، انتشارات جهان آراء، تهران، بی-تا، ص 62.

<sup>127</sup> پیشین، ص 68.

<sup>128</sup> پیشین، ص 77.

<sup>129</sup> بر طبق منابع و فتاوی شرعی، آب گر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا، پهنا و گودی آن هر یک سه وجب تا سه وجب و نصفی است بریزند آن ظرف را پر کند. مخلوط شدن نجاسات مثل ادرار، خون و مدفوع با آب گر تا زمانی که بو، رنگ یا مزه آب را تغییر نداده، گر بودن آب را تغییر نمی دهد (ر. ک. به مسائل 16-19 احکام طهارت توضیح المسائل مراجع، ج 1، ص 47-46).

بر این اساس بود که شستشو در خزینه های حمام های قدیمی از نظر شرعی مجاز بود و به عنوان راهی بهداشتی برای صحت و تمیزی شناخته می شد. معمولاً کف این خزینه ها از لایه ای از چرک، مو و مدفوع پوشیده بود و بر اساس این رهنمون شرعی، از هر مدتی این کثافات را به وسیله کوزه مخصوصی تخلیه می کردند، ولی نیازی به تخلیه و تعویض آب کثیف و میکروبی آن ها نمی دیدند. پس این «خزینه های شرعی»، مرکز شیوع انواع بیماری ها بودند.

این بدآموزی های «شرعی» در اشکال مختلف ادامه دارد و به سهم خود ارقام بزرگ مرگ و میر نوزادان و انواع بیماری های ساری و اپیدمی ها در جامعه و جوامع «اسلام زده» را توضیح می دهد.

<sup>130</sup> پیشین، ص 83.

<sup>131</sup> پیشین، ص 91.

- تطهیر (تمیز کردن) با زمین و خاک را با پدیده جذب ذره ای<sup>132</sup>،  
 - تطهیر با آفتاب را با اشعه فوق بنفش<sup>133</sup> و،  
 - تطهیر با حرارت را با ضد عفونی کردن در اتو و اتو کلاوهای  
 امروزی<sup>134</sup> مقایسه می کند. او همچنین:  
 - نجاست سگ و خوک را با احتمال بی اعتنا بودن این حیوانات در  
 مقابل پاره ای از میکروب ها که به حال انسان مضر است<sup>135</sup> و،  
 - وضو، غسل و غیره را با دستورات بهداشتی امروزه<sup>136</sup> توضیح  
 می دهد<sup>137</sup> بازرگان حتی "روزه را در فرمول ترمودینامیک  
 $W=U/TS$ <sup>138</sup> قرار می دهد<sup>139</sup> تا به ظن خود تأثیر آن در بقای حیات  
 امت اسلامی را اثبات کند<sup>140</sup>.  
 این ابداعات ساده نگرانه و عوام فریبانه، اساس دکترین بازرگان برای  
 علمی نشان دادن احکام و سنت های شرعی را تشکیل می دهد.

**- ابداع علمی نمای بازرگان و بطلان صحت قرآن**  
 بازرگان عالم علمی نیست، چرا که او در این صورت نگران سؤال و  
 جواب منطقی در مورد نامگذاری های خود می شد.  
 بازرگان متعهد دینی هم نیست، چرا که در آن صورت نیز نگران  
 سؤالات احتمالی و زیر پا رفتن اعتقادات دینی خود می شد.  
 بازرگان اما یک متکلم اسلامی است که می خواهد با نامگذاری های  
 ژورنالیستی برای مرام سیاسی - دینی در حال اضمحلال خود تبلیغ  
 کند. او نمی داند، یا نمی خواهد بداند که اگر آن چه می گوید درست

<sup>132</sup> پیشین، ص 95

<sup>133</sup> پیشین، ص 102

<sup>134</sup> پیشین، ص 108.

<sup>135</sup> پیشین، ص 107

<sup>136</sup> پیشین، ص 108-118؛ و نیز ر. ک. به مهدی بازرگان، راه طی شده، شرکت سهامی  
 انتشارات، تهران، ص 102، به نقل از مجید محمدی، پیشین، ص 200.

<sup>137</sup> ر. ک. به مجید محمدی، پیشین، ص 192-200.

<sup>138</sup> W انرژی موثر یا فعال، U انرژی داخلی، F درجه حرارت سیستم و S کمیت حرارتی.

<sup>139</sup> مهدی بازرگان، چهار مقاله، شرکت سهامی انتشار، تهران، ص 181-196، به نقل از مجید  
 محمدی، پیشین، ص 199.

<sup>140</sup> ر. ک. به مجید محمدی، پیشین، ص 198-201.

باشد و اگر احکام و آیات قرآن، به خاطر دلایل و محتوی علمی خود قابل پذیرفتن اند، پس در آن صورت:

- انطباق با دست آوردهای علمی به وجه شناخت و دلیل صحت آیات قرآن تبدیل می شوند.

به بیان دیگر،

- آیات قرآن به آن سبب پذیرفته می شوند، یا باید پذیرفته شوند، که علمی اند یا با علم قابل نامگذاری و انطباقند.

بازرگان البته که نمی تواند از استدلال و شیوه ای که خود به وجود آورده، فرار کند و علیه منطق خود بلند شود. وی در هر حال به قدری از علم و دانش امروزی بهره دارد که بفهمد در علم "یک بام و دو هوا" وجود ندارد و نمی توان حکم و قاعده ای را در موردی پذیرفت و پایه منطق و استدلال خود قرار داد، ولی در موردی دیگر، وقتی این حکم و قاعده به ضرر گوینده تبدیل می شود، پشت به آن کرد و نپذیرفت. در نتیجه، منطق بازرگان به این جمع بندی می رسد که:

- همان طور که «فرمول های علمی» صحت احکام و آیات را به اثبات می رسانند، پس:

- هر احکام و آیه ای هم که دلیلی علمی ندارد یا با دلایل علمی قابل اثبات نیست، اعتبار ندارد و صحت دینی اش مردود است.

در نتیجه:

- آیاتی که غیر علمی اند، یا با علم قابل اثبات نیستند، جزو قرآن نیستند، وحی خدا به حساب نمی آیند و مردودند.

بدیهی است که آیات "خدای خالق جهان" نباید غیر علمی و فاقد صحت علمی باشند. از چنین خدائی انتظار نمی رود که آیاتی بفرستد و حرفی بزند که پس از مدتی غلط از آب در آید.

اما استدلال علم گرایانه بازرگان قدمی فراتر می رود و دین را به علم وابسته می کند. با این اعتبار، نه فقط صحت دینی آیاتی که غیر علمی اند و با واقعیات موجود تطبیق ندارند، بلکه حتی صحت آیاتی هم که از طریق علمی قابل اثبات نیستند، زیر سؤال می رود. در نتیجه، با این استدلال و گزینش به اصطلاح علمی بازرگان، حتی



صحت «آیات دینی» قرآن (که به سبب دینی بودن، در حوزه دینی<sup>141</sup> و نه حتماً علمی قرار دارند) رد می شود و اصل و اساس اعتبار «کتاب دینی بودن» قرآن زیر سؤال می رود.

این نتیجه گیری، البته در این حد هم باقی نمی ماند. بازرگان با ردیف کردن این فرمول های ترمودینامیک بر آن نیست که این یا آن حکم مشخص و معین قرآن را به اثبات برساند و بقیه را رها کند. او می خواهد بگوید:

- حالا که گویا به ظن وی، صحت آیاتی از قرآن به وسیله قواعد و متدهای علمی ترمودینامیک اثبات می شود، پس:  
- تمامی قرآن با علوم امروزی می خواند و قابل اثبات است، و بر این اعتبار است که قرآن در کلیت خود الهی به حساب می آید<sup>142</sup>.  
این روش و نتیجه گیری استدلالی البته به این معنی هم هست که اگر یک یا چند حکم و آیه قرآن از نظر علمی رد شوند، بنا به این گزینش و فرمول ابداعی بازرگان و شریعت سازان درس خوانده دیگر، در این صورت:

- فقط آن چند حکم و آیه نیستند که باطل اعلام می شوند، بلکه صحت، اعتبار و خدائی بودن «کل قرآن» زیر سؤال می رود.  
آیا بازرگان و شرکاء بعدی حاضر به پذیرش این شرط و نتیجه گیری هستند و می توانند به چنین فتوائی که اساس و بنیاد اسلامی را به زیر سؤال می برد تن در دهند؟  
- اگر نه! که در آن صورت باید گفت تمام کارهای عوام فریبانه شان برای چسباندن ترم های علمی به احکام دینی، هم از نظر علمی و هم از نظر دینی، از بیخ و بن بی اعتبار و فاقد ارزش است.  
- اگر آری! که در آن صورت دیگر «نه سری می ماند و نه دری!».

---

<sup>141</sup> ر. ک. به فصل «کتاب دینی قرآن» در جلد دوم این کتاب.

<sup>142</sup> ر. ک. به مجید محمدی، پیشین، ص 234-237.

### - مشکل تعریف «دینی» و «غیر دینی»

می‌دانیم که بازرگان با این نامگذاری ها قادر به اثبات علمی بودن کتاب «دینی» قرآن نمی‌شود، همان گونه که نامگذاری بچه های افغانی به «سردار و سالار» کسی را به درجه داری و گروهبانی هم نمی‌رساند. اما جالب این جاست که بازرگان، حتی اگر با این نامگذاری ها به موفقیتی هم نائل می‌آید، به هیچ نتیجه دینی نمی‌رسید. چرا که هیچ کسی نگفته:

- «کتاب علمی» حتماً «کتاب دینی» است، یا کتابی که محتوی علمی دارد، حتماً از سوی خدا "نازل" شده یا الهی و دینی است. بازرگان و سایر متکلمانی که برای علمی بودن قرآن می‌کوشند، اساساً با مشکل تعریف دین و تفکیک دین از علم رو به رو هستند.

\*\*\*

در ضمن، بازرگان فراموش می‌کند، یا می‌خواهد فراموش کند که اساساً تحول تاریخ علوم نشان می‌دهد که تئوری ها، اکتشافات و اختراعات علمی از آن سبب به وجود آمده اند که این امور دور از کنترل دینی نگه داشته شده اند.

علوم در اساس مثبت و لائیک اند و عنصر دینامیک در آن، «انسان زمینی» است و نه همانند دین، «آیات، وحی الهی یا مقامات آسمانی». علوم بر «رد» باورهای غیر مثبت، غیر قابل مشاهده و نوع دینی ساخته شده اند. رد باورهای غیر مثبت و غیر قابل مشاهده و تجربه در اصطلاح دینی اسلام، «کفر» نامیده می‌شود و شدیداً ممنوع و قابل مجازات است.

این تفاوت ها همچنین از آن جا ناشی می‌شوند که ادیان و علوم دو راه تاریخی مختلفی را طی کرده اند و هم از این رو:

- هیچ دینی با رشد و توسعه خود به علم نینجامیده و نمی‌انجامد. دین اسلام نیز تا آن جایی که «دین» است، از این قاعده مستثنی نیست.

\*\*\*

بازرگان و هم مسلک های شریعت سازی که سعی می کنند با استفاده از این شیوه های فاناتیستی، قرآن را نه فقط کتاب دینی، بل کتاب علوم و معرفت علمی معرفی بکنند، با مشکل بزرگ دیگری هم رو در رویند. متعصبان دینی نمی توانند بفهمند که علم و داده های علمی با وجود این همه اعتبار و منزلت، در اصل و اساس:

- موقتی است،

- قابل نقد و اصلاح دائمی است و

- رد آن و انکار احکامش، نه فقط کفر و قابل مجازات نیست، بلکه پاداش هم دارد!

این است که علمی نامیدن «کتاب دینی قرآن» نه تنها بر صحت دینی آن نمی افزاید، بلکه قانونمندی های علمی فوق (شامل موقتی، قابل نقد، قابل رد و اصلاح بودن) را شامل این «کتاب دینی» نیز می کند. بدین ترتیب، با پذیرفته شدن این ادعاها، «دین» نیز تابع قانونمندی های «علم» می شود و از آن رو، حتی دیگر ابداعات بنیادگرایانه ای که کلیات قرآن (هم نیمه دینی و هم نیمه غیر دینی قرآن) را «ابدی»، «جهانی» و «لازم الاجرا» تعریف می کنند، جایی برای بیان نمی یابند.

با علمی نامیدن و دیدن قرآن، این کتاب دینی حتی «دوام و بقای آیات دینی» خود را هم از دست می دهد.

#### - انتخاب ناگزیر بین علم و دین

و سؤال مهم دیگر:

بازرگان می نویسد<sup>143</sup> که مثلاً «تطهیر با حرارت» با عمل ضد عفونی اتو کلاوهای امروزی و «نجاست سگ و خوک» با احتمال بی اعتنا بودن این حیوانات در مقابل پاره ای از میکروب ها قابل توجیه است. نظر بازرگان این است که صحت احکام اسلامی (که گویا دچار شک و تردید اند و قابل اعتماد بودن شان احتیاج به اثبات علمی دارد)، به وسیله علوم امروزی (که گویا قابل اعتمادند) ثابت می شوند. معیار

<sup>143</sup> ر. ک. به مجید محمدی، پیشین، ص 199.

ارزشی این مقایسه، اثبات صحت دینی به وسیله «علوم» است. با بیان دیگر، این «علم» است که «دین و احکام دینی و قرآنی» را ثابت می‌کند و صحت دین و احکام دینی را به اثبات می‌رساند. از این رو:

- 1- علم، اصل و اساس و معیار تشخیص صلاحیت و صحت است و،
- 2- دین، تابع علم است و صحت خود را از آن می‌گیرد.

اما اگر علم، اصل و مبنای ارزیابی، و دین و قرآن، فرع و محتاج اثبات به وسیله علم اند، در آن صورت،

- اصلاً چه دلیل و نیازی برای مراجعه به دین (و قرآن) وجود دارد؟

و،

- به چه سببی باید قواعدی را که بر دست آورد های علمی به وجود آمده اند، به درون دستگاه دینی برد و از مجموعه آن ها «دین» و باور دینی ساخت؟ و،

- چرا نباید به جای آن مستقیماً خود علم و دست آوردهای علمی را پذیرفت و ملاک قرار داد؟ و به طور مثال:

-- چرا نباید به جای مثلاً «نجاست، استحاله، اصل کریت، احکام نجاست و تطهیر» به «خطر فسادپذیری و رویش میکروب های موزی»، «تحولات شیمیائی»، «تعابیر بیوشیمیک»، «قواعد اتو کلاوها» و «دانش مربوط به میکروب های مضر به حال انسان» روی آورد؟

-- چرا نباید به جای مثلاً تطهیر دینی، علم ضدعفونی را جایگزین ساخت؟ یا،

-- چرا نباید به جای بحث از نجاست سگ و خوک، به دانش نوع تغذیه و میکروبی بودن یا نبودن این حیوانات و چگونگی مبارزه علمی با این میکروب ها پرداخت و،

-- چرا نباید مسایل را به طور مستقیم از راه و روش علمی- که بر این ادعا، منبع ارزشی احکام دینی است- حل و فصل کرد؟

به بیان دیگر، اگر اصل و تعیین کننده «علم» است و اگر علمی بودن کتاب دینی قرآن، صحت محتوی آن را نشان می‌دهد، در این صورت:

- چرا تنها مراجعه به علم کفایت نمی‌کند؟ و،

- چه احتیاجی به مراجعه به آیاتی است که به قول بازرگان ها، خود صحت شان را از علم می گیرند و در برابر آن، فرع به حساب می آیند؟

مجید محمدی در کتاب دین شناسی چاپ ایران خود، در مورد مشابهی به درستی می نویسد که "اگر ما بنای دین را بر حل معضلات بگذاریم، همان طور که مدعی هستیم که برای رفع معضلات موجود رجوع به دین اسلام لازم است، باید متقابلاً بپذیریم که با رفع مشکلات، دیگر نیازی به مراجعه به دین و (اسلام) نداریم"<sup>144</sup>.

#### - گوی و میدان شریعت سازان

اما با وجود این همه ایرادات و اشکالات در نظریه دینی بازرگان، فرض کنیم که همه حرف های بازرگان و سایر مدعیان علمی بودن آیات و احکام قرآن، راست و درست است و قرآن کتابی سرتاسر مملو از دانش و دانائی علمی، آن هم در قالب های امروزی، مثبت و قابل دسترسی، تحقیق، سنجش، کشف و تعویض و تغییر است. در این صورت، چرا باید این کتاب علمی فقط با تئوری ها و یافته های علمی ماهیناً لائیک کشف شوند و به اثبات برسند، و چرا عکس آن هیچ وقت تحقق نیافته و نمی یابد؟ یعنی:

- چرا این مدعیان علمی بودن قرآن، پس از صدها سال کند و کاو در کتابی که به قول خودشان مالا مال از همه علوم روز است و هر آیه اش «اشاره» به دانش و قانونمندی علمی می کند، نباید موفق شده باشند حتی یک قانون، یک تئوری علمی یا یک کشفی که تاکنون برای بشر ناشناخته بوده، از آن استخراج کنند؟ یعنی به جای این نوع ادعاها، که مثلاً این آیه یا حکم قرآنی و شرعی با این یا آن قانون و کشف علمی سازگار است یا به اثبات می رسد، چرا نتوانسته اند نشان دهند که:

- لااقل مجهولی از مجهولات بشری به وسیله مطالعه و کند و کاو قرآن، راه حل پیدا کرده است؟ و،

---

<sup>144</sup> ر. ک. به مجید محمدی، پیشین، ص 215-226.

- چرا با این همه علمای اعلام، مقامات مذهبی و حتی "معصومین" دینی و مذهبی، که آگاه به اسرار الهی و قرآنی فرض می‌شوند، هیچ موردی از کشف مجهولی علمی از قرآن در تاریخ اسلام به ثبت نرسیده است؟

مهدی بازرگان و سایر متشرعینی که دانش و دانائی شان را مدیون علوم مثبتة اند و نه دین، به خوبی می‌دانند که با این چسب و سریش حتی می‌توان یافته‌های علمی را به غزلیات عاشقاته حافظ هم چسبانید، ولی اگر این چسباندن‌ها، منطقی در پشت سر داشته باشند، باید بتوان از کتاب شعر حافظ هم نظریه و قانونمندی جدید علمی استخراج کرد. اگر نمی‌شود استخراج کرد، پس این رابطه اثباتی و علمی:

- غیر واقعی است،
- چسباندن زورکی و فاناتیکی است و،
- ادعائی عوامفریبانه است.

\*\*\*

این همه نشان می‌دهد که ادعاهای علمی بودن قرآن و این که قرآن فراگیرنده تمام علوم<sup>145</sup> است،

- نه قابل عرضه اند،
- نه دلیل و منطقی در پی دارند و،
- نه به تأیید دینی منجر می‌شوند.

\*\*\*

بعداً، در جلدهای دوم و سوم این کتاب، به تفصیل خواهیم دید که قرآن «کتابی دینی» است و از دو نیمه دینی و غیردینی تشکیل شده است.

---

<sup>145</sup> ر. ک. به فصل «تحریف آیات برای اثبات "کفایت علمی قرآن" و "شرع ملقب به اسلامی"» در جلد سوم این کتاب.

- 1- نیمه «دینی» قرآن<sup>146</sup> در حوزه ایمانی و احساسی فرد مسلمان جا می‌گیرد و نه بر اساس اثبات علمی، بلکه به علل احساسی و عاطفی وی به وجود می‌آید،
- 2- نیمه «غیر دینی یا دنیوی»<sup>147</sup> قرآن به مواردی خاص، زمانی بسیار دور و جامعه قبیله‌ای محل زایش دینی خود تعلق دارد و جایی برای کاربرد در جامعه علمی و مدرن امروزی ندارد. هر بازی علمی منتشرعین درس خوانده برای قابل پذیرش نشان دادن احکام این نیمه «غیر دینی یا دنیوی» قرآن در جامعه مدرن امروزی، مثل کوبیدن آب در هاون است. بازی علمی بازرگان و آیندگان درس خوانده اش که به دین و قرآن با عینک علوم و علوم مثبت می‌نگرند، جز نمونه‌هایی از این تلاش بی‌حاصل نیستند<sup>148</sup>.

## 2- فتوای می‌خوری و باقی قضایا

عین این استدلال را عبدالکریم سروش در موضوعی دیگر مطرح می‌کند. به بیان او:

- "چرا خمر و میسر، یعنی شراب نوشی و قماربازی در قرآن تحریم شده؛ دقیقاً بدین دلیل که میان مردم آشوب و نزاع در می‌افکند"<sup>149</sup>. از نظر وی: "چون اکثریت بدند، شراب را بر همه حرام کرده اند. ولی در بهشت چون همه خوبند، دیگر باده خوری اشکالی ندارد"<sup>150</sup>.

اگر چنین است که وی می‌گوید و این و هر حکمی در قرآن بر «دلیل، منطق عقلانی و ضرورتی علمی» متکی است، در آن صورت، باید با رفع آن سبب‌ها و ضرورت‌ها، آن حکم هم از اعتبار بیفتد. مگر نه؟

<sup>146</sup> ر. ک. به بحث مربوط به «قرآن دینی» در جلد دوم این کتاب.

<sup>147</sup> ر. ک. به بحث مربوطه در فصل «قرآن غیر دینی» در جلد سوم این کتاب.

<sup>148</sup> در مورد علمی بودن و چگونه علمی بودن قرآن (و نتیجه آن در بحث مربوط به صحت یا عدم صحت حکومت دینی) ر. ک. به بحث‌های مربوطه در جلد سوم این کتاب.

<sup>149</sup> عبدالکریم سروش، آئین شهریاری و دینداری، ص 66.

<sup>150</sup> عبدالکریم سروش، پیشین، ص 58.

به طور مثال، اگر حرام بودن شراب به سبب بد بودن مردم و آشوب و نزاع مصرف کنندگان نوشابه های الکلی است، پس اگر در جایی که مردم، تربیت شده و با فرهنگ اند و شراب خوردن و مصرف مشروبات الکلی باعث آشوب و نزاع و بروز مشکل و مسأله فردی و اجتماعی نمی شود، منع اسلامی و قرآنی مشروبات الکلی اعتبار ندارد و شراب خوردن، از نظر اسلامی و قرآنی، آزاد، "مباح و حلال" است.

سروش نمی تواند به این سؤال جواب منفی بدهد، چرا که او، با استدلال خود قبلاً به این سؤال پاسخ مثبت داده است. این است که هر جواب منفی وی به معنی رد حرف و استدلال خود و نشان دهنده آن است که وی موضوع «منطقی و عقلانی بودن احکام قرآن» را صرفاً برای گول زدن مردم و دموکراتیک نشان دادن احکام شرعی خود، ساخته و پرداخته است.

اما اگر جواب، طبق ادعای وی به شرح فوق، مثبت است (که می دانیم نمی تواند باشد<sup>151</sup>)، یعنی اگر آن گونه که از فتوای سروش فهمیده می شود، به نظر وی نیز «در جایی که مردم خوب، تربیت شده و متمدن اند، مصرف شراب حلال است»، در آن صورت چرا این حکم شامل سایر احکام نباشد؟ یعنی:

- چرا نباید در امور دیگر هم همین «منطق» به اجرا در آید و چرا نباید در سایر اموری که اجرای حکم قرآنی با منطق و شرایط روز نمی خواند، آن حکم قرآنی، لزوم اجرائی و حکم دینی خود را از دست بدهد؟

به این معنی، حالا که بر اساس فتوای سروش، به خاطر عدم تطبیق «حکم قرآنی» در مورد شراب با «شرایط روز» می توان آن احکام را به کنار گذاشت، پس:

- بر همین اساس می توان هر حکم دیگر قرآن، که با شرایط امروزی تطبیق ندارد را به کنار نهاد و از اعتبار انداخت.

---

<sup>151</sup> چرا که از متکلمان اسلامی که وظیفه دار مقبولیت دادن به احکام و سنت های دینی و شرعی اند، چنین انتظاری نمی رود.



بر این اساس، به فتوای سروش:  
- همه ادعاهای «ضد دینی بی»<sup>152</sup> چون تقدس و ابدیت «تمام احکام قرآنی و شرعی» و سایر ابداعات مشابهی که اساس شریعت اسلامی و حکومت دینی را می سازند، با تغییر شرایط، اعتبار و ضرورت خود را از دست می دهند و صحت و اجبار دینی خود را گم می کنند. به بیان دیگر:

- آن چه «احکام اسلامی و شرعی» خوانده می شود، فاقد تقدس یا الزام دینی اند و باید با تغییر شرایط، یا بر اساس رأی و اراده انسان زمینی، تغییر یابند، یا حتی بی اعتبار اعلام شده و دور ریخته شوند. مگر نه؟! در این راستا، حتی می توان استدلال کرد که:

- آیات و احکام "غیر دینی" قرآن، در زمانی برای هدایت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه قبیله ای عربستان آن روز و زمان، "نازل" شده بوده و با ناپدید شدن آن شرایط و نیازها، آن احکام و آیات هم از اعتبار اجرائی و تقدس الهی افتاده اند و هیچ مفهومی جز یادمانده ها و مدارک تاریخی- دینی ندارند.

بدین معنی، سیر و ادامه منطبق سروش چنین ایجاب می کند که:  
- هر حکم قرآن تا زمانی که شرایطش ایجاب می کرده قابل اجرا بوده، ولی حالا، پس از تغییر آن شرایط، احکام ناظر بر آن شرایط و زمان گذشته هم علت وجودی و قدرت اجرائی خود را از دست داده اند و هم از این رو، امروزه و در هر آینده ای:

- نه «آیات غیر دینی قرآن» مقدس و لازم الاجرا یند،  
- نه «حکومت دینی» اعتبار و تقدس دینی دارد، یا الهی و خدائی به حساب می آید و،

- نه «شرع معروف به اسلامی» و قواعد و قوانین دنیوی ناشی از دین و کتاب، صحت و الزام دینی دارد.

این همه در ضمن می رساند که:

---

<sup>152</sup> ر. ک. به بحث های مربوطه در جلد سوم این کتاب.

- شریعت‌سازانی و اربابان دینی که هنوز هم به نام دین، خدا و مقدسات دینی حکم می‌رانند و با نام دین و اسلام، حکم و قانون به وجود می‌آورند، فاقد هر تأیید دینی‌اند و دین‌فروشانى بیش نیستند.

\*\*\*

آفرین بر عبدالکریم سروش که با حرف و منطقی ساده در مورد نوشیدن شراب، بر تمام ادعاهای دین‌سالارانه شرکای دینی خود خط بطلان کشیده و با منطق خود مبنی بر «نسبی و ناظر به شرایط بودن احکام دینی و قرآنی»، راه را برای گذر به نظام سکولر، رها شدن مردم مسلمان از سیطره دین‌سالاران و قانونگذاری متکی بر رأی و اراده و مشارکت مردم مسلمان و غیرمسلمان، هموار کرده است.

- بگذار مردم ما هم پس از این همه ستم دیدن، زندگی آزادانه را تجربه کنند، آزادی بیان داشته باشند، از حق و حقوق بشری استفاده کنند و بدون ترس از انتقام و مجازات متشرعین، حرف بزنند، ببندیشند، نقد کنند، بنویسند ... و،

- بگذار مردم ما هم از احکام صدها سال پیش جوامع برده‌داری و فئودالی معروف به اسلامی برهند و از این راه، به رشد اجتماعی لایق انسان امروزی نایل آیند. بگذار مردم ما هم بدون ترس از چماق تکفیر، لایق آزادی و دموکراسی شناخته شوند و بی توجه به احکام و محتوی «امور غیردینی» «کتاب دینی» خود، احکام و قوانین «زندگی دنیوی» خود را خود تصویب کنند و حق و مسئولیت‌گزينش آنچه را در زمان و مکان خود درست، یا رد آن چه را نادرست تشخیص می‌دهند، به دست آورند. بگذار مردم مسلمان و غیرمسلمان ما هم، پس از قرن‌ها سرکوب و سانسور دینی، از جام آزادی تمدن جهانی بنوشند!

اما،

- آیا متکلمی همانند سروش که کارش توجیه، تفسیر و قبولاندن احکام شرعی و دینی به مردم است، قادر به صدور چنین فتوای آزادی‌بخشی است؟ و،

- آیا سروس و شرکاء می توانند چنین آزادانه و رها از تعصبات و دگم ها فکر بکنند و فتوا دهند که «احکام دنیوی قرآن» ناظر بر زمان، مکان، «شأن و مورد نزول» اند و هم از این رو، در زمان ما فاقد اعتبار اجرائی اند؟

می دانیم که نه!

نه سروس و نه بازرگان، یا شریعتی و دیگر شریعت سازان و متشرعان، چنین منطقی را نمی پذیرند یا نمی توانند بپذیرند، و نه اربابان و انحصارگران دینی به آنان اجازه می دهند که با چنین فتوهای ضد شرعی!، ابزار حکومت دینی را از دست شان در آورند.

سروس می داند که هدف وی و دیگر "اهل کلام" فقط توجیه احکام، منطقی نشان دادن شریعت و نهایتاً قالب کردن حکومت و سرکوبی دینی و اسلامی به مردم است و نه رها کردن آنان از احکام شرعی قرون وسطائی و مرتجعان دینی. این است که ادعاهائی از این دست که "چرا خمر و میسر یعنی شراب نوشی و قماربازی در قرآن تحریم شده؛ دقیقاً بدین دلیل که میان مردم آشوب و نزاع در می افکند" یا "چون اکثریت بدند، شراب را بر همه حرام کرده اند، ولی در بهشت چون همه خوبند، دیگر باده خوری اشکالی ندارد"، چیزی نیستند جز توجیحات تبلیغاتی متکلمی «ظاهراً» مدرن و امروزی که خود را موظف می داند که به سوالاتی که سنت گرایان حوزه های علمیه قم و نجف جوابی ندارند، پاسخی به ظاهر علمی ولی با همان محتوی کهنه و دگماتیک بیابد و ارائه دهد.

قبلاً در مورد شریعتی هم تجربه شده<sup>153</sup> که این متشرعین «درس خوانده و ظاهراً امروزی» حتی در بهترین شرایط، جز همان بنیادگرایان فاناتیک حوزه های علمیه اسلامی نیستند؛ با این تفاوت که اینان زبانی دیگر دارند و مفاهیم کهنه را در الفاضی ظاهراً نو فرموله می کنند.

<sup>153</sup> ر.ک. به کتاب های نویسنده تحت عنوان «زن در گرداب شریعت» و «زن و اسلام شریعتی».